

## چند نکته در مورد تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت دارای سائل زیاد است و در میان این مسائل بخصوص باید از برنامه - روش تدریس - در نظر گرفتن استعدادهای ذاتی اطفال نام برد.

۱- برنامه . عبارت از «مجموعه موادی است که در کلاس تدریس می‌شود این قسمت به دری دارای اهمیت است که پیوسته طرف توجه او لیاء امور وزمامداران ممالک مترقی است، در موقعیت بحرانی چه از نظر اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی وغیره طبقه حاکمه برای برطرف نمودن آن فوراً متوجه برنامه مدارس می‌گردد. زیرا عقیده برائیست که تنها با تغییر برنامه تدریس ممکن است یک تحول روحی ایجاد نمود که در نتیجه آن مشکلات و موانع مرتفع گردد. برواضع است که موادی که در مدارس بنویسند تأثیر شایانی در آنها نموده و در بسط و توسعه فوای فکری و ذوقی آنها نقش بسیار بزرگی را ایفاء مینماید.

اندیشه‌ای که برنامه در تحت نفوذ آن تنظیم شده است و همچنین قصدرسیدن یک ایده‌آل هدف غایی آنرا بر ما واضح و روشن می‌سازد. در این قسمت مسائل مهمی در پیش است مانند تعیین ارزش مطلق آن ایده‌آل و بالارزش نسبی آن نسبت به زمان و مکان مشخصات ارادی . مثلاً ممکن است از خود سوال نمود که آیا بایشتر باید در تقویت حافظه کودک کوشید و یا آنکه بیسط و توسعه قوای فکری و هوش و ذکاوت او برداخت و یا آنکه بهتر است در تقویت اراده و قوای بدنی او جدوجهد نمود . ممکن است مطالب فوق را چنین بیان نمود . آیا ideal type افراد معنوی و متفکر شهرنشین باشد که با اجرا نمودن برنامه معمولی یعنی برنامه ادبی صرف و نحو و منطق وغیره قوای فکری افراد را پروردش داده یک عدد کارمند تحويل جامعه بدھیم و یا آنکه تربیت افراد طوری باید باشد که در نتیجه

یک عده مردان عمل مانند تاجر، زارع، کارگر وغیره که اتکاء آنها فقط به قوه و قدرت ابتكار خودشان بوده وأحنیاجی بکمک دیگران ندارند بوجود نیایند.

مسائل دیگری که مربوط به ideal تربیت است : آیا باید بیشتر در توسعه عادات اجتماعی دقت شود و یا اینکه بر عکس باید در استحکام قوای که سبب استقلال فرد میگردد مانند قوای انتقادی کودک و قضاؤت شخصی و شخصیت او مسامی لازم را بکار برد ؟ برای اینکه این مسائل مهم نامبرده در فوق بصورت فورمول خشکی در نیاید لازم است قبل از شرط ذیل صورت حقیقت بخود بگیرد :

۱- باید ارزش نسبی این نظریه های تعلیم و تربیتی را با در نظر گرفتن محیط - زمان - نژاد - احتیاجات و آرزوهای جامعه ای که میخواهند تربیت نمایند معلوم نمود. چه ممکن است برنامه ای برای یک قوم و ملتی مفید باشد در صورتی که همان برنامه برای ملت دیگر ضرر داشته باشد و تیجه عکس از آن گرفته شود .

۲- باید در نظر داشت که چگونه ممکن است تربیتی را برای حصول به ideal منظور در نظر گرفت. این کار بسیار مشکل است و با لفاظی و تعیین طرق اخلاقی و بالاصول وغیره ممکن نیست بلکه باید طوری باشد که فکر تربیت بخودی خود روش تربیت را تعیین نماید و آنرا تحت الشاعع خود قرار دهد .

۳- روش تربیت - کلمه روش در اینجا به معنی وسیع آن در نظر گرفته میشود و مسائلی چند مانند انتخاب معلم - چگونگی تربیت معلم - تنظیم ساعت دروس - تقسیم بندی دروس بر حسب سهولت و اشکال آنها - ساعات تفریح - روزهای تعطیل و مخصوصاً مدت تعطیلات تابستان باید در نظر گرفته شوند چه طول مدت ممکن است سبب از بین رفتن عادت بکار شود . در تنظیم ساعت باید در نظر گرفت که آیا بهتر است دروس فکری مانند ریاضیات و فلسفه در ساعت اول روز یعنی موقعیکه ذهن در تیجه استراحت حاضر بقبول هر کونه مطالب و افکار abstract مجرد میباشند قرار داد و یاد رسانی آخر وقت از طرف دیگر در تناوب کارهای فکری و بدنه باید دقت کامل بعمل آورد . امروز باوسائلی که در دست است بخوبی ممکن

است درجهٔ خستگی انفرادی یا اجتماعی را بادقت تعیین نمود . ولی تمام این وسائل از نظر اهمیت در درجهٔ دوم قرار گرفته‌اند . موضوع مهم طرز تدریس اطفال می‌باشد، ممکن است برای تشریح موضوعی یکی از حواس ( باصره - سامعه - لامه ) را متأثر ساخت و ممکن است تدریس فقط بواسیلهٔ بیان باشد . البته بعضی از روش‌ها قابل استفاده و عدهٔ دیگر بیفایده می‌باشند .

انتقادیکه ممکن است از روش تدریس بمدارس فلی ماحتی دانشگاه نمود مبالغه در روش لفظی است چه باین طریق فقط قوهٔ تکلم و خطابه پرورش می‌باید لذا در اینگونه کلاس‌ها جز نهایت زبان چیز دیگری یاد داده نمی‌شود . هدف و منظور این روش بیاد سپردن موادیست که شغافهاً توضیح داده شده و در موقع امتحان دانشجو باید آنها را طوطی وار تکرار نماید . بکار بردن این روش خالی از خطر نیست زیرا منظور از تعلیم و تربیت تعلیم طرق فکر کردن و عمل کردن است و باید کوشید که این قسمت بقدری تقویت گردد که بشکل عادت در فرد خودنمایی کند . ارزش تعلیم و تربیت را باید از روی تأثیر آن در افراد معلوم نمود یعنی باید تعیین کرد که تعلیم و تربیت تاچه اندازه در سازش فرد با محیطی که باید در آن زیست نماید موقیت حاصل کرده است .

دیگر از معاویت این روش خیود *passif* بار آوردن طفل است در صورتیکه تعایم و تربیت باید بمنزلهٔ محركی باشد تا کودک در مقابل از خود واکنش‌های نشان دهد و این عکس العمل‌ها نشانهٔ تغییرات و تحولاتیستیکه در او پیداشده و خود دلیلی بر تکامل او از نظر قوای فکری و اکتشاف خصائص عالی است . مخصوصاً باید باین نکته توجه نمود که مقدار ساعاتیکه کودک در کلاس بوده با کمیت و کیفیت معلوماتیکه در این مدت فراگرفته است متناسب باشد .

**۳- استعدادهای ذاتی کودک** - این قسمت را باید مورد توجه مخصوصی قرار داد، چه اگر بخواهیم تعلیم و تربیت را تشریح کنیم باید آنرا به قسمت تقسیم نماییم:

- ۱- چه چیزی تدریس می‌شود(برنامه)؛ ۲- چگونه تدریس می‌شود(روش)؛

۳- بگه تدریس می شود (کودک)؛ بنابراین باید تعلیم و تربیت را از نظر رابطه ای که با کودک دارد تحت بررسی قرار داد، مخصوصاً در اطفالیکه سن آنها بین شش سالگی و ۱۴ سالگی میباشد.

لازم است قبل از هر گونه اقدامی قوای روحی و بدنی را تحت بررسی دقیق قرار داده و باوسائل مختلفه و بکار بردن tests هر یک از استعدادهای ذاتی آنها را کاملاً معین نمود. متاسفانه باید اذعان کرد که باین قسمت تابحال در مدارس ما هیچگونه توجهی نشده است و علمت عدم پیشرفت و موفقیت در امور آموزشی همین عدم توجه باستعداد کودکان میباشد. هیچ جای تعجب نیست اگر بگوئیم عده زیادی از مردمیان تابحال باین کیفیت روحی بی نبرده‌اند، چه بسا شخصی که کودک را مرد کی تصور مینمایند یعنی کودک را دارای همان افکار و عقاید و احساسات و عواطف اشخاص بالغ منتها متناسب با جهه خودشان، میدانند غافل از اینکه اینهادار ای عوالمی مربوط بخود هستند و هیچ مناسبی بین افکار و احساسات آنها با مردان بالغ موجود نیست.

از طرف دیگر عادت بر این است که یک کودک را مدل در نظر گرفته و سایر اطفال را بالخلافی کم بازیاد مانند آن میدانند ولی اگر کمی دقت نمائیم خواهیم دید که اطفال نه تنها از نظر شخصیت و صفات بایکدیگر متفاوتند بلکه طرز فکر کردن و احساس و استعدادهای ذاتی آنها نیز بایکدیگر متفاوت و متغیرند. البته نباید از آموزگاری که دارای ۷۰٪ شاگرد است توقع داشت که بروجیات آنها بی برد، چه در موقع تدریس تمام توجه آموزگار متوجه ارزش مطلق مواد تدریس است و هیچ توجهی به کیفیت ادراک آنان و مشخصاتشان نداشته و ندارد و گمان نمی‌رود که بظرفیت آنان و نمایلاتشان هم اهمیتی بگذارد. برای اینکه معلوم شود تأثیر اندازه مریان در باره روحیات اطفال بی علاقه‌گی از خود نشان میدهدند بد کر مثال زیر مبادرت میورزیم.

در هر کلاس عده‌ای از دانشجویان کودن ترین محصلین کلاس محسوب

میشوند و چه بس اچندین سال در یک کلاس باقی میمانند ولی تابحال کسی پیدا نشده است که تحقیق نماید آیات عقب ماندگی اینها در نتیجه نقص هوش و ذهنی آنها میباشد یا اینکه مرربوط بظرف تدریس معلم است و یا اینکه عمل دیگری دارد؛ این قسمت از نظر اجتماع دارای اهمیت شایانی است و باید کوشید که از عده اینکو نه اطفال دائماً کاسته شود و این نیز ممکن نیست مگر با بررسی های قبلی و تعیین علت عقب افتادگی در تعلیم و تربیت. استعداد فکری و ذوق و رغبت کودکان دارای اهمیت بسزایی است، تربیت را نباید از نظر مطلق در باره آنها بموضع اجراء گذاشت بلکه تعلیم و تربیت باید مطابق ذوق و رغبت فکری آنها باشد و تاممکن است حس کنجکاوی آنها را باید تحریک نمود تا خود اطفال برای بی بردن بموضعی فعالیت نموده و بدرک و فهم موضوع یاد ر حقیقت اختراع در باره آن نائل آیند. بنابر این لازم می‌آید قبل از شروع هر گونه تعلیم و تربیتی ببررسی دقیق روحیات اطفال پرداخت و استعدادهای گوناگون آنها را یک‌بیک معلوم نمود و تربیت را بر اساس استعدادهای ذاتی آنها استوار ساخت تا در آنیه عضو مفیدی برای خود و جامعه گردند.

### قهوه و قشلاق

تفوین از مختصات زبان عربی است که بعد از اسلام وارد زبان پارسی شده و استعمال آن جز در مورد کلمات عربی آنهم در جاییکه سیاق جمله عربی باشد منسوج است.

ولی با نهایت تاسف اشخاصی دیده میشوند که حتی در کلمات پارسی هم تفوین استعمال میکنند: زباناً و جانانه و باید از این عمل اجتناب نمایند.

تشدید نیز از زبان عربی پارسی سراست که در کلمات مخصوصی بکار برد و اسانید سخن آنرا در کلمات مخصوصی بکار برد اند فردوسی فرماید:

ز هر ای درندگان چنگ دیو شده میست بر جنگ کیهان خدبو خ